

دکتر علی اکبر خانمحمّدی

فتوت نامه

بنیایان

رساله جوانمردان یا چنانکه گفته شده «فتوت نامه» عبارت از دستورالعملهای عقیدتی و اجرایی که اهل هر حرفه برای خود داشته و باستناد آن روابط بین خود و بین خود و جامعه را تعیین می کرده اند.

از این جمله است «فتوت نامه بنیایان» که بنیایان و سازندگان اماکن را شامل می گردد. فتوت نامه حاضر که از یکی از کتابخانه های ترکیه فراهم شده و متن آن نقص و افتادگی دارد تنها متن شناخته شده در این مورد است.

این فتوت نامه در دو بخش، نخست اصول و کلیاتی بطور عمومی، و دوم همان اصول بصورت سؤال و جواب آمده. مقولات بخش اول دوازده مورد و عموماً تأکید بر کسب فضایی چون ایثار، تواضع، امن، صدق، وفا از جانب اهل این حرفه است.

در قسمت دوم امور ارشادی این طایفه مطرح گردیده و سخن از پیران و مرشدان رفته که انبیاء - علیهم السلام - در رأس و سپس امامان مذهب شیعه قرار دارند.

در مقدمه ای که استاد فقید هنری کربن فرانسوی بر کتاب «اصفهان تصویر بهشت» اثر هنری استرلین نوشته و ترجمه و تلخیص آن در شماره قبلی این نشریه به قلم اینجانب گذشت، در جایی از قول یک صاحب نظر ایرانی عنوان می شود که اکثر بناهای باعظمت مذهبی ایران به دست اهل فتوت بنیان گرفته اند.

بدون اینکه بحثی در صحت و سقم، همینطور کم و کیف این نظریه داشته باشیم، لازم می آید در رابطه با آنچه متن این نوشته را تشکیل می دهد شناختی از این آئین نیمه مذهبی، نیمه اجتماعی به دست دهیم. آئین فتوت و فتیان که در فارسی به جوانمردی و جوانمردان شناخته می شود از سابقه ای طولانی برخوردار است که ریشه های آن به جنبش های رهایی بخش ایرانیان در مقابل خلفای ظالم اموی و عباسی باز می گردد. در آن ادوار چنین نگرشی را می توان در آئین عیاری

و عیاران مشاهده کرد.

نخستین جلوه های آشکار این آئین و در شکل جدید آن، یعنی فتوت را باید در بعد از هجوم مغول و مصائب ناشی از این هجوم جستجو کرد - آنچه خاندان ها را بر باد داده و جوامع را از هم پاشیده بود. در میان این خرابه هاست که پاره ای آئین ها و مشرب های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی شکل گرفته و مجال بروز می یابند. هدف عمده این جریان ها، غالباً در جهت حمایت از توده های رنج دیده جامعه و با نیت ترمیم خرابی ها بود.

نکته قابل توجه اینکه برخلاف ادوار پیشین، این آئین ها در دوره جدید از دستورالعمل هایی پیروی می کردند که برای همگان مفهوم و در دسترس بود. از مظاهر بارز این سادگی، نوشته هایی است تحت عنوان رسائل، به ویژه آنچه مربوط به جوانمردان می شود که به نام

رسائل فتیان یا فتوت نامه شناخته می شود. خوشبختانه معدودی از این رسائل یافته به چاپ رسیده است^(۱). با وجودی که تاکنون رساله ای در زمینه فتوت بنایان به چاپ نرسیده است ولی انتظار می رفت فتوت نامه ای نیز در این ارتباط و حرفه های ضمیمه آن چون کاشی سازان وجود داشته که تاکنون بنظر کسی نرسیده و لذا دست اندرکاران رشته های موصوف مترصد یافتن آن بودند. اینجانب نیز به نوبه خود و نظر به ارتباطی که با دانشکده معماری و شهرسازی و ارادتی که به استادان این رشته دارم خواهان دست یافتن به چنین نوشته ای بودم و در هر جا نشان آن رامی جستم. تا چنان شد که بقول شاعر:

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم
یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم

در این اواخر ضمن بازبینی میکروفیلم برخی نسخه های خطی که در گذشته از کتابخانه های ترکیه دریافت داشته بودم متوجه شدم که در آخر یک نسخه خطی بدون اینکه ربطی موجود باشد و یا من خواسته باشم صفحاتی از نسخه های دیگر گرفته

شده که آغاز و انجامی ندارد. با اندک دقت متوجه شدم این همان چیزی است که آرزو داشتم بدست آورم و تقدیم اهل این فن کنم. فتوت نامه بنایان. علیرغم نقایص نسخه، از قبیل عدم آغاز و انجام کامل، به علت قرارگرفتن در انتهای فیلم فقدان کیفیت مناسب، خط و ربط ناموزون و خط خوردگی سطور و معایب دیگر که هر پژوهنده ای را از کار روی چنین متنی منصرف می کند، نظر به علاقه وارداتی که در بالا ذکرش گذشت و چون به علت اخذ برخی سیاست های فرهنگی دولت ترکیه در حال حاضر امکان تهیه فیلم دیگری را ناممکن بود ضرورتاً کار استخراج و تصحیح متن مزبور را شروع و پس از طی مراحلی که تکرار آن خسته کننده خواهد بود متن منقحی از آن به دست آوردم که لیاقت پیشکش به آستان اهل نظر را داشته باشد.

در طی مراحل تصحیح و بازنویسی نظر به پاک شدگی سطور یا خط خوردگی و نظایر آن چه بسا عبارات و کلمات ناخوانایی وجود داشت که اینجانب نظر به سیاق نوشته و با حدس و گمان

جایگزین نمودم و این اضافات تا بدانجا بوده که به اصالت نسخه خدشهای وارد نیارود. نکته آخر در ارتباط با متنی که می آید این است که به اعتقاد اینجانب و در مقایسه با فتوت نامه های دیگر، نویسنده روال عمومی نوشته را از مأخذ دیگر کسب و به همراه پاره ای مسائل خاص این حرفه و صنعت در رساله حاضر گنجانده است. نظر به خصوصیات لفظی و معنوی آنچه در دست است می توان گفت متن مورد نظر تعلق به قرون نهم یا دهم دارد و از آن قدیمتر نمی رود. محل نگارش آن نیز در یکی از کشورهای مسلمان و احتمالاً حیطة فارسی زبانان کشور عثمانی بوده است.

۱ برای مثال رجوع شود به «رسایل جوانمردان» به کوشش مرتضی صراف و با مقدمه هنری کرین، منتشره از جانب قسمت ایرانشناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش های علمی در ایران به تاریخ ۱۹۷۳ میلادی یا کتاب آئین جوانمردی اثر هنری کرین که به همت احسان نراقی ترجمه گردیده و حاوی تعدادی از این فتوت نامه ها است.

آواز شخصی بگوش او رسید که می‌گفت آه. اشارت کرد که اول بدو ده. نزد وی رفتیم. هشام بن عاص بود. خواستم که آبش دهم او نیز آوازی دیگر شنید که می‌گفت آه. گفت اول او را ده. چون بدو رسیدم در گذشته بود. نزدیک هشام آمدم، او نیز رفته بود. به نزدیک ابن عم خویش آمدم او نیز روح تسلیم کرده، که فتوت یعنی این.

(۳) و هشت خصلت است که بر فقیان

ثابت است. چهار آن عام و چهار آن خاص این گروه باشد. چنانکه قطب دایره فتوت، امیرالمومنین علی - علیه‌السلام - بدان اشارت فرموده حیث قال: اصل الفتوة الوفاء والصدق والامن والسخاء والتواضع والنصيحة وهداية وتوبه ولايستا هل الفتوة الا من يستعمل هذه الخصال.

(۴) از آن چهار که این طایفه را باشد

خاص نخستین تواضع است که خود اول مرتبه است از مراتب شجاعت. و شجاعت چنان باشد که نفس را مغلوب عقل گردانی، و این خصلت تمام نشود الا بقلت اعتنا نفس در حق خویش، و عدم التفات او به خطر و قدر خود، و از حلم لازم آید. قال الله تعالى: والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا.

(۵) دوم صفت امن است. قال الله تعالى:

اولئك لهم الامن وهم مهتدون. و دیگر فرماید ليطمئن القلوب. و این صفتی است که همگان را لازمست و اهل این حرفه را خاص. و هر که دل او به نور حق منور نشد، و از ظلمات شک و جهالت خلاص نیافت همواره مستوحش و ترسان و بددل و پریشان باشد چه ترس از خواص تاریکی و تیرگیست، و امن از خواص روشنی.

(۱) بدان ای جوانمرد که فتوت صرف کردن وجود است یا در اطاعت حق، یا در راحت خلق چنانکه پیر جوانمردان شیخ ما نجم‌الدین زرکوب گفته است: الفتوة على ثلثة اقسام. اولها محافظه امرالله، والثاني محافظه سنه رسولالله، والثالث الصحبة مع اهل الله. و حقیقت فتوت ترک ماسوی الله است. معنی آنست که فتوت بر سه قسم است: اول نگاه داشتن فرموده خدای تعالی، دوم، نگاه داشتن سنت مصطفی (ع)، سیم صحبت کردن با اهل خدا. و در حقیقت فتوت آنست که هر چه جز حق باشد ترک گوید.

(۲) بدان که اصل فتوت ایثار است و این

طریق جز با ایثار راست نیاید. از «حدیثه عدوی» روایت است که مرا ابن عمی بود که روز حرب یرموک ویرا نیافتم. قدری آب برداشتم و به طلب او برخواستم. گفتم اگر اندک رمقی از وی باقی باشد آبی در حلق او ریزم و قدری بر وی زنم. چون بدو رسیدم هنوز رمقی از وی مانده بود. گفتم آبت دهم؟ به دست اشارت کرد بلی. در آن حال

اندر فتوت نامه بنایان

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين. بعد از حمد خدا و درود بر رسول او. بدان که این رساله ایست اندر آداب فتوت بنایان. که منسوب است به امام کامل وحی ناطق امام جعفر صادق علیه‌السلام، که آن بزرگوار چنین گفته و نوشته‌اند تا اهل این حرفه بدانند و در یاد گیرند.

به فعل است. سیم داشتن عقل است، چه آن وسیلت بنده است بحق و واسطه کسب کمال. قال پیغمبر علیه السلام أعبدا للناس اغفلهم، و نحن معاشر الانبياء امرنا ان نخاطب الناس على قدر عقولهم. چهارم دین داشتن است، زیرا که فتوت کمال دین است و کمال هر چیز متفرع از اصل خواهد بود و فرع بی اصل محال. پنجم صحت و سلامت جسم به گونه‌ای که عیب فاحش ظاهر و باطن نداشته باشد چون مخنث بودن یا جذام و برص. ششم مروت داشتن است و آن از لوازم صفات فطرت است، چه مروت اساس مردی و مبنای فتوت است. همچنانکه فتوت مبنای اساس ولایت است. هر که صاحب مروت نباشد فتوت نیابد، و هر که صاحب فتوت نباشد بولایت نرسد. قال علی علیه السلام من الفتوه المرء رعایه آخرته، و من مروته صیانه وجهه. هفتم حیا و آن ناصیه کمال و دلیل نجابت جوهر نفس است. قال النبی علیه السلام: الحیاة من الایمان.

(۱۰) از آن آلات و اسباب که به غیر از

دروغ نیست تا گویند مردی راستی است. و دروغ را حیض الرجال خوانند و هیچ عیب و ناجوانمردی قبیح‌تر از آن ندانسته‌اند.

(۸) چهارم و از اشراف خصائص این طایفه وفاست. و صدق عهد و وعد، که گفته‌اند: المرء اذا وعد وفی. و از این جهت است که حق جل و علی ایشان را بدان مدح فرموده و انبیاء را بدان بستود. قال الله تعالی: «من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» و در وصف اسمعیل علیه السلام گفت: انه كان صادق الوعد. و امیرالمومنین علی علیه السلام در ذکر اصول فتوت وفا را بر همه مقدم داشته است.

(۹) و دیگر بدان که شرایط عام و استعداد فتوت نزد این طایفه هفت است. اول ذکور بودن است چه فتوت صفت شرف و کمال است و انوثة مستلزم نقص و اذلال. قال الله تعالی: الرجال قوامون علی النساء و قال النبی علیه السلام هن ناقصات عقل و دین. دوم بلوغ است، چه بلاغت مبدأ ظهور عقل و خروج قوت ملکی از قوه

(۶) آورده‌اند که حاتم اصم، رحمة الله علیه، روایت کرد که گفت: من با شقیق بلخی در بعضی از وقایع و حروب خراسان به غزا رفته بودم. در میان معرکه بر شقیق رسیدم. گفت دل خود را چگونه می‌یابی، گفتم: چنانکه در شب زفاف، هیچ فرقی نمی‌یابم. گفت: من با این حد ایمنم، و سپر بیفکند و سلاح باز کرد و سر بر سپر نهاد و بخواب باز رفت، چنانکه آواز عظیم او بشنیدند. و این است امن و طمأنینه قلب.

(۷) سیم صفت صدق است که آن مبنی و اساس حکمت است و اول درجات آن. و از این جهت امیرالمومنین علی علیه السلام فرموده است: لامروه لکذوب. یعنی دروغزن را مردمی محالست. صدق در نیت استقامت قصدست در توجه به جناب او تعالی، بهر کار که در آن شروع کند. چنانکه فرمود: فاستقیموا لله، بر وجهی که هیچ غرضی از ماسوی الله بدان مشوب نباشد، و هر چه کند خالصا مخلصا خدای را کند بدون ریا. و هیچ چیز در طریق جوانمردی بتراز

بشویند و مسواک کردن سنت پیامبر و دیانت اسلام است و سنت جوانمردان، چه که گفته‌اند نماز با مسواک یک در ده باشد، و بلکه یکی در هفتاد.

(۱۱) و از آن اسباب که بنایان را خاص لازم است نیز هفت اسباب است که: تیشه است و ماله است و قالب است و ناوه است و ریسمان است و شاغول است و چوب زاویه است که هریک را بکاری ساخته‌اند که از آن دیگری برنیاید. و اما تیشه از برای شکستن سنگ و خشت باشد و ماله بجهت میزان کردن گل روی کار و قالب برای همسان کردن گل روی کار تا از جوانب آویخته نشود و ناوه برای آوردن گل در پای کار و ریسمان به جهت طراز کردن صف خشته‌ها و سنگها و شاغول از برای میزان کردن ارتفاع کار، بنای نیک آنست که اینهمه در راه رضای خداوند و خلق خداوند بکار برد و از طریق صلاح منحرف نگردد.

(۱۲) بدان که بنایان را مراتبی است که ایشان را بدان مراتب شناسند. پایین‌ترین مرتبه مزدور باشد که کار گل از او برآید و ناوه بر سر گیرد و در این طریق هنوز مبتدی است. دو دیگر صاحب است که حد واسط میان استاد و مزدور و او اندک مایه از بنائی حاصل کرده، ولی هنوز به مرتبه استادی نرسیده سه دیگر استاد بناست که داند هر وسیله را چگونه بکار برد و خشت را چگونه بر سر خشت نهد و چگونه از عهده قوس و ستون و غیر آن برآید.

در فتوت نامه بنایان بطریق سئوال و جواب:

(۱) اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول

بنا ابراهیم خلیل بود علیه‌السلام که خانه کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند اول بنا نوح پیامبر بود علیه‌السلام که چون طوفان بنشست شهرها و روستاها دیگر بار بساخت و مردمان در آن شهرها و روستاها سکنی گزیدند و آبادانی زیاد شد.

(۲) اگر پرسند بزرگتر بنایان که بود بگوی که پیامبر ما بود صلوات‌الله علیه که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش با دیگر مومنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند و حجرالاسود بدست خویش بر آن نهاد.

(۳) اگر پرسند کریمترین بنایان که بود بگوی علی بود، امیرالمومنین علیه‌السلام که در بنای مسجد مدینه پیامبر را معاضدت کرد. و او سر جوانمردان است و بزرگترین ایشان در مقام. چنانکه حدیث در مقام اوست، لافتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار.

(۴) اگر پرسند که چهار پیر شریعت تو کیست، جواب بگو چهار پیغمبر مرسل، اول آدم صفی دوم ابراهیم خلیل، سیم موسی کلیم، چهارم خاتم‌انبیاء محمد مصطفی - صلوات‌الله علیه.

(۵) اگر پرسند که چهار پیر طریقت تو کیست، بگو که اول ایشان حضرت جبرائیل بود، دوم حضرت میکائیل، سیم حضرت اسرافیل، چهارم حضرت عزرائیل.

(۶) اگر پرسند که چهار پیر حقیقت تو کدامند، جواب ده اول پدر، دوم معلم، سیم استاد، چهارم پدر عروس.

(۷) اگر پرسند چهار پیر معرفت کدامند. جواب بگو که: اول شیخ عطار، دوم خواجه حافظ شیرازی، سیم شاه شمس تبریزی، چهارم

لوازم بنایان و اهل فتوت را لازم آید هفت چیز است. کارد و ناخن‌چین و سرتراش و شانه و مسواک و میل و منقاش. و اما کارد در همه حال بکار آید، در بریدن گوشت و خوردن خربوزه و تراشیدن خلال، و شانه که محاسن بدان بیاریند و این از واجبات است و شانه باید که درست و مستقیم باشد و درو شکستگی نباشد که آن مایه نقصان دارنده‌اش است. و داشتن سرتراش واجب است که اگر سرتراش نباشد بوقت نیاز محتاج دیگری باشد و این ترک ادب است. و دیگر ناخن‌چین واجب است که هم بدان موهای زائد چون موی سبیل و بینی اگر دراز باشد کوتاه نمایند که آن ترک سنت است. منقاش و میل هر دو وسیلتی تمام است که به یکی چون خاری یا تیغی در انگشت خلد درآورند، و میل از بهر آنست تا آلودگی گوش بدان پاک نمایند که بزرگان گفته‌اند آلودگی گوش دلیل بر غفلت است و غفلت بر صاحب فتوت روا نباشد. و آخرین از این اسباب مسواک است و آن چوب‌پاره‌ایست که بدان دندانها

ملای رومی.

(۸) اگر پرسند که چند استاد بنا بوده‌اند و نخستین ایشان چه کسی است، بگو که دوازده تن بودند چنانکه امام بحق ناطق امام جعفر صادق علیه‌السلام فرموده است که دوازده تن استاد کامل بودند که پیر همه ایشان حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام بود.

حسن بصری نخستین ایشان بود که بنای خانقاه بدست خویش بکرد، دویم استاد عباس حلبی بود. سیم استاد روئین بغدادی. چهارم بکران قریشی، پنجم استاد شکرى آلوسی، ششم استاد باب‌الله، هفتم استاد شاه میر سبزواری، هشتم استاد مقبل مکرى، نهم استاد نجف بنازکی، دهم استاد رحمان علمداری، یازدهم استاد یوسف مصری، دوازدهم استاد نعمان مدائنی که کار بر ایشان ختم شد.

(۹) اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم باحیابودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم‌سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان.

(۱۰) اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دویم، هر کس را در خور حوصله و توانائی کار فرماید. سیم، با سخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم، با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ‌حوصله نباشد، هفتم فقیردوست باشد، هشتم کاری‌گران و زبردستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آنکه در کار خود چست و چالات باشد.

(۱۱) اگر پرسند که کدام خصلت بنائیان بیشتر بکار آید، بگو حیا، چرا که حیا و چشم پاک‌داشتن از خصلتهای جوانمردان است و

بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران ببند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه ببند چشم پوشد.

(۱۲) اگر پرسند که چون بسر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: لیس للانسان الا ما سعی.

(۱۳) اگر پرسند چون تیشه به دست گیری کدام آیه خوانی، بگو که: یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابنه و صاحبته و بنیه.

(۱۴) و اگر پرسند چون ماله بدست گیری چه گویی: بگو از قرآن خوانم: یا ایها الذین امنوا توبوا لی الله توبه نصوحاً.

(۱۵) و اگر پرسند چون قالب بدست گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی: لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولى، ان جاء الاعمى.

(۱۶) اگر پرسند چون ناوه بر دست گیری چه گویی، بگو: و اما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه.

(۱۷) و اگر پرسند چون ریسمان بدست گیری چه گویی، بگو: افلا یعلم اذا بعثر ما فی القبور و حصل ما فی الصدور.

(۱۸) اگر پرسند چون شاغول افکنی کدام آیه خوانی، بگو: فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره، و من یعمل مثقال ذره شراً یره.

(۱۹) و چون پرسند اگر چوب زاویه بدست گیری چه گویی، بگو از قرآن می‌خوانم که: یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قدير.

(۲۰) و اگر پرسند چون ماله بر گل کشی کدام آیه از قرآن خوانی، بگو: یا ایها الذین امنوا توبوا لی الله توبه نصوحاً.

(۲۱) و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاقها راست کنی چه گویی، بگو: یقولون اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء علیم.

(۲۲) و اگر پرسند آنگاه که زاویه‌ها در بندی چه خوانی، بگو: از قرآن که فرماید: الم یعلم بان الله یری.

(۲۳) و اگر پرسند آن زمان که بر کار بالا روی و بر ارتفاع بایستی چه خوانی، بگو: عسی ربکم ان یغفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار.

(۲۴) و اگر پرسند چون پائین آیی و بر زمین قرار گیری چه گویی، بگو: و برزت الجحیم لمن یری فامامن طغی و اثر الحیوه الدنیا فان جحیم هی الماوی.

(۲۵) و اگر پرسند چون دست در گل کنی چه گویی، بگو از قرآن خوانم که: الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

(۲۶) و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو اذا زلزلت الارض زلزالها.

(۲۷) و اگر پرسند چون گل بر قالب نهی چه خوانی، بگو: یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا.

(۲۸) و اگر پرسند که قالب از کجا آمده است بگویی که چوب آن از بهشت است، و چون آن شمشاد است.

(۲۹) و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی چه خوانی، بگویی: فتبارک الله احسن الخالقین و الحمد لله رب العالمین.

(۳۰) و اگر پرسند.....